لطفاً مردم این مقاله را نخوانند

سـپهرغرب، گروه سیاسـی: دکتر سـیدحمید حسـینی: شکی نیسـت که حضور مردم شرط لازم بـرای برگزاری یک انتخابات پرشـور و تقویت ارکان نظام جمهوری اسلامی ایران است؛ بنابراین نخستین وظیفه مردم در انتخابات، حضور در صحنه و با توجه بـه موقعیت زمانی، حضور حداکثـری و انتخاب فرد موردنظر خود اسـت. عقل حکم می‌کنـد که برای تعیین سرنوشـت خـود و جامعه و کشـور در اداره آن سهیم باشیم. برای سـهیم شدن در این امور نیز اولیـن قدم، حضـور یافتن در صحنـه و دخالت در انتخاب اسـت درصورتی‌که به این وظیفه خود عمل نکنیم، حق اعتراض به مشـکلات موجود در جامعه را نخواهیم داشت. هرچند در برخی از کشورها برای حضور مردم در صحنـه انتخابات اجبار قانونی بوده و عدم حضور باعـث محرومیت از برخـی امتیازات شهروندی می‌شود!

شکی نیسـت که حضور مردم شـرط لازم برای برگـزاری یک انتخابات پرشـور و تقویت ارکان نظام جمهوری اسلامی ایران است؛ بنابراین، اولین وظیفه مردم دـر انتخابات، حضور در صحنـه و با توجه به موقعیت زمانی، حضور حداکثری در صحنه و انتخاب فرد موردنظر خود است. عقل حکم می‌کند که برای تعیین سرنوشت خود و جامعه و کشور خود در اداره آن سهیم باشیم. برای سـهیم شدن در این امور نیز اولیـن قدم، حضـور یافتن در صحنـه و دخالت در انتخاب اسـت درصورتی‌که به این وظیفه خود عمل نکنیم، حق اعتراض به مشکلات موجود در جامعه را نخواهیم داشـت. هر چند در برخی از کشورها برای حضور مردم در صحنـه انتخابات اجبار قانونی بوده و عدم حضور باعـث محرومیت از برخـی امتیازات شهروندی می‌شود!

اگرچـه وظیفه افراد یک جامعـه برای حضور در انتخابات امری عقلانی اسـت ولی بـرای تحقق آن الزاماتی وجود دارد که به‌وسیله حاکمیت و بر اساس مبانی علمی و تجربی اسـت که باید به آن به‌صورت ویژه پرداخت. اصولاً رفتار مردم در برخورد با انتخابات (حضور یا عدم حضور) وابسـتگی مسـتقیم به رفتار حاکمیت دـر دوره‌های قبلی دارد. منظور نگارنده از حاکمیت مجموعه قوا و روح حاکم بر اداره دولت که مبتنی بر قانون‌های نوشـته و نانوشته‌ای است که در اتمسفر سپهر سیاسی و اجرایی کشور است؛ بنابراین حرکت جامعه و میزان مشـارکت آن‌هـا در فرآیند انتخابات نه علت که خود معلول دلایل دیگری است که عمده آن به رفتار حاکمیت برمی‌گردد. انتخابات مختلف کشـور جمهوری اسـلامی ایران همواره به یک موضوع حیثیتی از طـرف حاکمیت و همچنین مخالفان آن معرفی شـده اسـت و به‌نوعی انتخابات در ایران برخلاف سـایر کشـورها، به‌نوعی رفراندوم مشروعیت و حاکمیت تلقی شده و همواره حاکمیت از منافع حضور قابل‌قبول مردم در انتخابات استفاده برده است. ولی انتخابات اخیر مجلس شورای اسلامی در اسـفند ۹۸ به‌نوعی زنگ هشدار برای پایان دادن به این سـفره بی‌دردسر بود. اگرچه نگاه بالا می‌تواند تا حدودی درست باشد ولی اگر حضور در انتخابات، نه وظیفه دفاع از مشروعیت نظام که حق مردم تلقی شود، آنگاه عدم حضور مردم، استفاده نکردن از حق شهروندی و یک امر بدون هزینه حیثیتی خواهد بود. نگارنده به جد معتقد اسـت کـه حضور در انتخابات نه وظیفه که حق شـهروندی است و میزان استفاده و بهره بردـن از این حق، به عواملـی ربط دارد که به‌صورت خلاصه به آن در ذیل خواهم پرداخت.

۱) اعتماد به سـاختار انتخابات: به‌نظر می‌رسـد هرچـه فرآیند برگـزاری انتخابـات از قوانین آن تا فرآیند تأیید صلاحیت‌ها تا فرآیند برگزاری انتخابات و شمارش آرا شفاف و روشن‌تر باشد، شهروندان بهتر و با آگاهی بیشـتری، ترغیب به مشارکت و استفاده از حق شـهروندی خود خواهند بود. به‌نظر می‌رسـد مواردـی وجود دارد که اعتماد به سـاختار قانونی و اجرایـی انتخابات را دچار بحران نموده اسـت. برای مثـال قوانین ناکارآمـد ثبت‌نام و احـراز صلاحیت می‌توانـد ازجمله آن قوانین ناکارآمد و غیر شـفاف باشـد. ما در انتخابات مختلف شـاهد سـیل عظیم ثبت‌نامی‌هـا بوده‌ایم که به‌خصوص در حوزه انتخاب ریاست‌جمهوری موجب وهن و تخفیف ماهیت بالای آن شده اسـت. اگرچه مجلس شورای اسلامی سعی کرده اسـت در آن تغییراتی ایجاد کند ولی باید دید که در عمل چه اتفاقی می‌افتد.

به‌نظر می‌رسـد قانون در حـوزه تأیید صلاحیت‌ها کاملاً ناکارآمد است به‌نحوی‌که مثلاً افراد تأیید صلاحیت نشده اصرار دارند که با آنان برخورد سیاسی شده است و شورای نگهبان قانون اساسی نیز معتقد است که خیر؛ اما چرا تاکنون این بند به قانون انتخابات اضافه نشـده اسـت که دلایل رد صلاحیت افراد نه به شـخص که به‌صورت رسمی در سایت یا محل دیگری منتشر شود تا بسـاط مظلوم‌نمایی و ضربه به نهاد شورای نگهبان و حاکمیت مانند تمام این سال‌ها که گذشت، جمع شود یا اینکه شـورای نگهبان در برابر افکار عمومی پاسخگو شـود این موارد می‌تواند بسیار بیشتر از مثال‌هایی که نگارنده آورده است باشد. به‌نظر می‌رسد بخشی از عدم استفاده از حق رأی در انتخابات به نکاتی که بیان شد، ربط داشته باشد.

۲) مشـکل سـاختار قوا در ایران: ساختار قوا در ایران متأسفانه دچار مشکل ساختاری به‌خصوص در حوزه قوه مجریه است. همان‌طور که بارها صاحب این قلم در مقالات متعدد در همین نشـریه نوشته است، جایگاه ریاسـت جمهوری در ایران جایگاهی اسـت که حدـود و اختیارات آن اگرچـه روی کاغذ کاملاً مشـخص است ولی در اجرا دچار مشکلاتی است که باعث می‌شود، رؤسـای جمهور همه موفقیت‌ها را به نام خود و شکسـت‌ها را به‌نـام حاکمیت و یا دولت پنهانی که همیشـه آدرس می‌دهند ولی مصداقی و شـفاف بیان نمی‌کنند، فاکتور کننـد. از دولت‌های بعد از تغییر قانون اساسـی در سـال ۶۸ به بعد این داسـتان بارها تکرار شده است و در همه دولت‌ها با شـدت و کم‌وزیاد اتفاق افتاده است. (دولت‌های قبل از سال ۶۸ به‌دلیل وجود پست نخست‌وزیری به‌نوعی دیگر درگیر این ماجرا بوده است). این مشکل به‌نظر نگارنده به سـاختار دولت و جایگاه پسـت ریاسـت جمهـوری برمی‌گردد. این جایگاه به دلایل متعددی متفاوت با کشـورهای دیگر اسـت. دـر ایران روی کاغذ نفر دوم کشـور و نفر اول اجرایی کشـور مقام ریاست جمهوری اسـت ولی در عمل، رئیس‌جمهور یکی از سـران قوا و در حد سـایر سران قواست، این تناقض باعث ایجاد سـردرگمی در رؤسای‌جمهور و دعواهای سیاسی و نهایتاً ایجاد حس دوگانه دولت و حاکمیت می‌شود که نهایتاً هم دولت و هم حاکمیت از آن آسـیب می‌بینند. همان‌طور که تاکنون از آقای هاشمی تا آقای روحانی در تصور جامعه افرادی خارج از حاکمیت تلقی شـده‌اند! این روند با شرایط فعلی ادامه‌دار خواهـد بود. این در حالی اسـت که همه رؤسای جمهور ایران تاکنون به نسبت‌های مختلف از بانیان و مبارزان در راه ایجاد نظام جمهوری اسلامی بوده‌اند.

آیا مسئولین کشور نمی‌بینند که بخشی به‌نوعی از جامعه برای مخالفت با نظام به فرد تأییدشده همین سیسـتم رأی می‌دهند و امیدوارند که رئیس‌جمهور تنفیذ شـده این نظام «بوریس یلسـینی» باشد که منجر به حذف سیسـتم جمهوری اسلامی شود؟ آیا وقت آن نرسیده که این مشکل ساختاری که حداقل سی‌ودو سال و در چهار دولت قبلی با شدت و ضعف کشور و حاکمیت و در مواقعی میزان مشارکت مردم دـر انتخابات را تحـت تأثیر قرار داده اسـت را به نحو صحیح مدیریت کـرد؟ همچنان نگارنده معتقد اسـت که بهترین گزینـه برای حل این مشـکل با ایجاد الزامات آن، تغییر قانون اساسـی و ایجاد پست نخست‌وزیری و حذف ریاست‌جمهوری و همان نظام جمهوری پارلمانی اسـت. برخی از جریانات سیاسی با ایجاد فضایی غیرواقعی مشـکلات ساختاری نظام ادـاری و اجرایی کشـور را در رفراندـوم مثلاً برای برجام سـابق (چیزی که دیگر وجود خارجی ندارد) تقلیل می‌دهند. این در حالی است که اگر نتوانیم در مناسبات قدرت، مبتنی بر قانون اساسی منطق خود را ثابت و دیگر تصمیم‌گیران قانونی کشـور را مجاب کنیم، نباید با سخنرانی و ایجاد دوگانگی حاکمیت و مردم نظر مردم را در مورد موضوعی بر اساس گمان فرضی خود و بدـون اقدام اجرایی که قانون برای آن در نظر گرفته است این حس را به مردم منتقل نمود که حاکمیت نظر مردم برایش مهم نیست. چه خوب بود در مـورد فوق‌الذکر طرفدـاران برجام قدم‌های اجرایی برگزاری رفراندوم را در مجلس و نه در پشت میکروفون ریاسـت‌جمهوری پیگیری می‌کردند و به قانون نیز در مورد فرآیند اجرایی آن مقید می‌شدند.

۳) مسئولیت ناشناسـی فعالان سیاسی: برخلاف بسـیاری از کشـورها سیاسـت در ایران در برخی مواجه‌ها نـه علم و حوزه تخصصی کـه محلی برای ابراز وجود بدون دانش شـده است. از همه جریانات سیاسـی افـراد ابن‌الوقتی می‌توان یافـت که بدون کمتریـن تحصیلات به‌صـرف داشـتن تریبون در تخصصی‌ترین موضوعات سیاسـی با کمترین میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی، اظهارنظر می‌کنند. مردم ایران نیز به پیروی از صاحبان تریبون بسـیار بیشتر از افراد سایر کشورها خود را سیاسی دانسته و اصولاً موضوعی نیسـت کـه در مورد آن دعوای سیاسـی نباشد. از قیمت مرغ و دلار گرفته تا مناسبات با سایر کشورها تا تصمیمات اسـتراتژیک همه و همه محل اختلاف و درگیری اسـت. برای افـراد عادی جامعه بحث‌های سیاسی تلقی درگیری و ضدیت و دوگانگی اسـت که منجر به تفکر چالش اجتماعی اسـت. در چنیـن مواردـی حضور و مشـارکت دـر انتخابات به‌عنـوان شـرکت در یک‌طـرف دعواسـت و برای بسیاری از مردم این‌طرف دعوا بودن موضوع جذابی نیسـت. به‌نظر می‌رسد بسـیاری از صاحبان تریبون کـه هم‌اینک باوجـود فضای مجازی دـارای دامنه بزرگ‌تری نیز شـده‌اند با عدم مسئولیت‌پذیرشـان به‌جای ایجاد انسـجام اجتماعـی از حق اظهارنظر و آزادی آن برای ایجاد شـکاف در جامعـه و پمپاژ نا امیدی اسـتفاده کرده و البته هزینه‌ای هم پرداخت نمی‌کنند و درعین‌حـال از مظلوم‌نمایی، درآمدهایی هـم دارند کـه ازجملـه آن درآمدها اسـتفاده در انتخابات مختلف است. جناح‌های سیاسی باید دست از خود نماینده مردم پنداری بردارند. مردم ممکن اسـت در موقعیتی به شـما اطمینان کرده باشند و رأی داده باشـند ولی بعـد از رأی قضاوت خواهید شـد. چرخش مردم از جناح‌ها بـه جناح‌های دیگر نشانه قضاوتی اسـت که شمارا بر اساس آن شایسته اعتماد مجدد ندانسته‌اند. در کشور ما جناح پیروز در انتخابـات قبل از تلاش برای هر کاری در مرحله اول به‌دنبـال پیدا کردن کس و یا چیزی اسـت که قرار اسـت بی‌عملی و تصمیمات اشـتباه را به گردن آن بیندازند. روزی برادـران قاچاقچی و روزی دیوانه‌ای در کاخ سـفید و گاهی تصمیمات حاکمیت و گاهی جریـان مقابل! هرچه هسـت همـه مقصرند به‌جز مسئولین! به‌نظر می‌رسد جناح‌های سیاسی در کشور روی گول زدن مردم حساب ویژه‌ای بازکرده‌اند. ولی مردم در قضاوت‌هایشان بی‌رحم هستند و رویگردانی از مشـارکت پاسخی به همه توهمات فعالان سیاسی اسـت. در انتخابات اخیر مجلس مردم نشان دادند که نه بـازی مظلوم‌نمایـی! اصلاح‌طلب‌ها و نه بازی شرایط خطیر! اصولگرایان را جدی نگرفته با مشارکت کم خواسته خود که پایان دادن به بازی جناح است را متذکر شـدند. البته نباید نادیده گرفت که برخی اصلاح‌طلب‌ها به‌دلیل عدم اقبال عملاً رأی نداند.

۴) وجود فساد اقتصادی و سیاسی: وجود هرگونه فسـادی در جامعه اگرچه بد و منفی اسـت ولی در جامعه انسـانی اجتناب‌ناپذیر اسـت؛ امـا وقتی این فسادها با فاصله طبقاتی و مشکلات اقتصادی جامعه همراه باشد، اثر منفی بسیار ویرانگری خواهد گذاشت که کمترین آن‌ها می‌تواند کاهش مشـارکت باشـد. خوشبختانه با اقدامات اخیر ریاست جدید قوه قضاییه امیدهای برای کاهش اثر آن فسـادها به وجود آمده اسـت ولی به‌نظر می‌رسد راه دشـوار است و مشکل بزرگ‌تر از آن چیزی اسـت که تصور می‌شد. ولی تا وقتی‌که وکیل و وزیـر و صاحب‌منصب‌های بزرگ و وابستگان آن‌ها خود را در خطر نبینند و جامعه آن‌ها را با لباس‌های زندانیان (البته بدون انگشتر و تسبیح) در دادگاه‌هـا و زندان‌ها نبینند، اثـر مخربی که در سال‌های گذشته در جامعه ایجاد کرده‌اند، همچنان گریبان‌گیر کشـور و حاکمیت و در نهایت مشارکت مردم در انتخابات خواهد بود.

۵) مشـکلات اقتصادی: مشکلات اقتصادی امروز کشـور نتیجه هر چیز و هر تصمیمی که باشد به‌طور مسـتقیم میزان مشـارکت را کاهش می‌دهد. اصولاً وقتی نیازهای اولیه افراد به‌سـختی برطرف شـود و مردم به‌سـختی بیفتند، قطعاً روی میزان علاقه آنان به مشارکت در انتخابات را مستقیماً تحت تأثیر قرار می‌دهد. به‌نظر می‌رسد تلاش نکردن به‌اندازه کافی و تصمیمات ناصحیحی مثل ماجرای دلار چهار هزار و ۲۰۰ تومانـی جهانگیری و بازی بورس و مصائب آن، ماجرای قیمت‌های نجومی خودرو و مسکن گرفته تا مرغ، تخم‌مرغ، میوه و... همه و همه باعث خواهد شد میزان مشـارکت در انتخابات ریاست‌جمهوری سال بعد عدد خیره‌کننده‌ای نباشد.

۶) شخصیت‌پرسـتی به‌جـای برنامـه محوری: بخشی از جناح‌های سیاسـی با ایجاد فضای مبتنی بر شـخصیت‌ها به‌جای برنامه‌ها سعی دارند ه با گذر زمان تنها از مواهب در قدرت بودن اسـتفاده کنند و در پاسـخ به حساب‌کشـی جامعه با مظلوم‌نمایی خود را مبرا از سـهم مشـکلات جامعه معرفی کنند. آسیب این نگاه زمانی بیشـتر خود را نشان می‌دهد که همراه با تنش سیاسی و مشروعیت‌زدایی از ارکان قانون‌گذاری و اجرایی انتخابات باشد. اگرچه نگارنده معتقد اسـت نقش حاکمیت در امـکان بروز چنین رفتارهایی کم نیست، ولی در کل آن را روشی مذموم در سیاست‌ورزی می‌داند. هم‌اکنون در اردوگاه جناح حاکم سیاسـی کشـور این موضوع به‌شدت مشاهده می‌شود. هنوز دولتی که این تفکر در سال ۸۸ وعده آن را داد و با مشـکلاتی که می‌دانیم امکان شـکل گرفتن پیدا نکرد، ولی در هفت سـال گذشته دقیقاً همـان افـراد و همان تفکر روی کار بود و هسـت و مشـکلات ناشـی از این تفکر و تصمیماتشان را که بخشـی از مردم تا عمق یخچال‌ها و حسـاب بانکی نه که تـا عمق جانشـان حس کرده‌انـد، در یادها هسـت. اما همچنان در کلاه تردسـتی این جماعت افرادی هسـتند که به‌عنوان منجی به مردم معرفی می‌شـوند که اگر نگوییم همه که بخش قابل‌توجهی از امروز محصول تأیید و تکرار آنان اسـت. هنوز گویا متوجه نیستند که برخی شخصیت‌ها برای مردم تمام شده‌اند و نتایج برایشان دلیل خوبی است برای میزان مشـارکت. اگرچه ممکن است بخشـی از تندروهای همفکر آنان به همین دلایل اقدام به مشـارکت کم یا زیـاد کنند، ولی به‌نظر نمی‌رسـد این موضوع در نهایت سـهم بالایی داشته باشـد. کما اینکه حضور شـخصیت‌های آنان در انتخابـات مجلس در تهران و رأی پایین سرلیست‌هایشـان هم نشـانه پایان این بازی‌های سیاسی اسـت. قطعاً نکات گفته‌شده همه موارد نیسـت ولی بـا توجه به مطالعات و بررسـی میدانی نگارنده موضوعات گفته‌شـده سهم بزرگی از الزامات و شـرایطی اسـت که کمک می‌کند میزان مشـارکت بالاتر رود. امیدوارم هرچه سـریع‌تر همه ایرانی‌ها از حاکمیت، مسـئولین و فعالان سیاسی و البته همه مردم به بلوغ اجتماعی و رفتاری برسـند که منافع ملی جای هر نوع مصلحت‌اندیشی را گرفته و تمام تصمیمات ما بر اسـاس موضوعی به نام ایران اسلامی و منفعت ایرانیان تعریف شود.

ماجرای رایگان شدن آب و برق از کجا کلید خورد؟

سـپهرغرب، گروه سیاسـی: ماجرای رایـگان شـدن آب و گاز کم‌مصرف‌ها از جلسـه ۴ آذر شـورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا در حضور رهبری کلید خورد.

حجت‌الاسلام حسـن روحانی رئیس‌جمهور کشـورمان طی سـخنانی در آیین بهره‌برداری از طرح‌های ملّی وزارت نیرو در سـالروز ورود امـام خمینـی به کشـور دـر ۱۲ بهمن ۵۷، اظهار کـرد: «قسـمتی از سـخنان امام (ره) توسـط برخی خناسـان دنبال می‌شـد و آن سـخن این بود که مـا کاری می‌کنیم که آب و برق برای مسـتضعفین مجانی شود. خناسان همیشـه می‌گفتند چه شـد تحقق سخنان امام خمینـی (ره) دـر بهشـت‌زهرا و دولت امروز افتخـار می‌کنـد که ایـن کار را انجـام داده اسـت آن‌هم در سایه تلاش وزارت نیرو و نفت. امروز توانسـتیم بگوییم برای افرادی که مصرف بسـیار کمی دارند که به‌طور طبیعی از اقشـار کم‌درآمد هسـتند برق، آب و گاز مجانی است و همـه آن پیش‌بینی‌های امام در تاریخ تثبیت شد و درست از آب درآمد».

صحبت‌هـای آقـای روحانـی ارجـاع بـه سـخنرانی حضرت امام در ۱۲ اسفند سال ۵۷ در مدرسـه فیضیه است که برخی به اشتباه آن را متعلق به سـخنرانی روز ۱۲ بهمن ایشان در بهشت‌زهرا (س) می‌دانند.

امـا فـارغ از پرداختـن بـه اینکـه چنین موضوعی چـه زمانی مطرح شـده اسـت، بنا داریـم در این گزارش به این نکته بپردازیم که رایگان شدن آب و برق مشترکان کم‌مصرف در چند ماه گذشـته از کجا کلیـد خورد و چگونه دولت دوازدهم به چنین تصمیمی رسـید.

آذرماه امسال بود که حجت‌الاسلام روحانی با اشـاره به مصوبه «بـرق امید» اعلام کرد که ۳۰ درصد مردم دارای برق مجانی می‌شـوند و این کار در آب و گاز برای بخشـی از مردم که کم‌مصرف و به‌طور طبیعی محروم هسـتند هم انجام خواهد شـد و مردم پول آب، برق و گاز نخواهند داد.

چنـد روز بعد هـم علی ربیعی سـخنگوی دولـت دراین‌بـاره گفت کـه دولـت یازدهم تصمیمـات مهمی در خصوص اصـلاح الگوی مصرف اتخـاذ کرده که بر اسـاس آن مصرف آب، بـرق و گاز خانوارهای کم‌مصرف که عمدتاً در دهک‌های پایین هسـتند، رایگان می‌شود.

پس از اعلام این مصوبه مشـخص شـد که ماجرای رایگان شـدن آب و گاز کم‌مصرف‌ها از جلسه ۴ آذر شـورای عالی هماهنگی اقتصادی سـران قوا در حضور رهبری کلید خورده است و در آن جلسـه کـه باهدف ارائـه راه‌حل‌های کوتاه‌مدـت برای کاهش فشـارهای معیشـتی بـر مردم برگزارشـده بود، آیـت‌الله خامنه‌ای پیشـنهاد کردند که هزینـه مصرف آب و گاز محرومـان و کم‌مصرف‌هـا مشـابه آن‌چـه در خصوص بـرق اتفاق افتاده، رایگان شـود و بر همین اسـاس در آن جلسه مقرر شد از کسانی که مصرف پاییـن دارند، هزینه‌ای در قبال آب و گاز گرفته نشـود و تخفیف ویژه داده شـود، به‌عوض از پرمصرف‌ها مبالغ بیشـتری دریافت شـود که کمبود درآمدی دولت را جبران کند.

ایـن موضـوع از سـوی برخی مسـئولین ازجمله حجت‌الاسـلام روحانـی رئیس‌جمهور، آیت‌الله رئیسـی رئیس قـوه قضاییه و برخی از نمایندـگان مجلـس ازجملـه محمدرضـا پورابراهیمـی رئیـس کمیسـیون اقتصادـی مجلس و... مطرح شـد که رهبـر انقلاب در جلسـه شـورای هماهنگی اقتصاد بر رایگان شـدن آب، برق و گاز بـرای دهک‌های پایین و جبران هزینه‌های دولت از اقشـار پرمصرف تأکید داشته‌اند.

رئیس‌جمهور در پنجاه و پنجمین جلسـه سران قوا گفته بود: «در خصوص موارد تأکید مقام معظم رهبری در جهت حمایت از اقشـار کم‌درآمد، نظیر رایگان شـدن آب، برق و گاز برای اقشـار ضعیف جامعه، دولت اقداماتی را انجـام داده کـه می‌تواند علاوه بـر کمک به اقشـار ضعیف جامعه به اصلاح الگوی مصرف در کشـور بیانجامد. در مورد بخش‌های دیگر نیز راهکار اجرایی همهٔ موارد در دسـتور کار جلسه شورای هماهنگی قرار می‌گیرد».

همچنین رئیـس قوه قضائیه نیز اعلام کرده بود کـه مقام معظـم رهبری در جلسـه اخیر شـورای هماهنگی اقتصادی سران قوا فرمودند آب، بـرق و گاز بایـد برای دهک‌هـای پایین جامعه مجانی شـود و هزینه‌های دولت در این زمینـه می‌تواند با دریافت بهای این خدمات از اقشار پرمصرف جبران شود.

آب و برق و گاز چگونه رایگان می‌شـود؟

پـس از تأکیـد مقـام معظـم رهبـری بر رایگان شـدن هزینه آب و گاز برای مشترکان کم‌مصرف، ایـن موضوع در دسـتورکار دولت قرار گرفت و بعد از گذشـت سه هفته از جلسه شـورای عالی هماهنگی اقتصادی سـران قوا، چنین موضوعی مصوب و برای اجرا ابلاغ شـد.

براسـاس این مصوبـه صورتحسـاب آب و فاضلاب مشـترکان با مصرف تا یک‌سوم الگوی تعیین‌شـده با تخفیـف صددرصدی محاسـبه خواهد شـد. همچنین مشـترکان بـا مصرف ماهانه بیش از الگوی مصرف، شـش ماه فرصت دارنـد تا نسـبت به اصـلاح رفتـار مصرفی و کاهـش مصرف آب اقدام کننـد. در پایان این دـوره، بهای آب آن دسـته از مشـترکانی که مصرف آنان بیش از الگوی تعیین شـده باشد، بـه پیشـنهاد وزارت نیرو و تصویب شـورای اقتصاد افزایش می‌یابد.

همچنین در مصوبه دیگری مقرر شده است که این حکم شـامل گازبهـا و کلیه هزینه‌های مرتبط با آن (مالیـات، عوارض ارزش‌افزوده و عوارض گازرسانی) هم بشود.

مشـترکان گاز بـا میزان مصـرف ماهانه بیـش از الگـوی مصرف، شـش مـاه فرصت دارنـد نسـبت به اصـلاح رفتـار مصرفی و کاهش مصـرف گاز اقدـام کنند. دـر پایان این دوره، بهای گاز آن دسـته از مشترکانی که مصـرف آنان بیش از الگوی تعیین شـده باشـد، به پیشـنهاد وزارت نفـت و تصویب شورای اقتصاد افزایش می‌یابد.

نامه دفتر تحکیم وحدت به نمایندگان مجلس

رد کلیات بودجه و تصویب آن به‌صورت چند دوازدهم بهترین گزینه است

سـپهرغرب، گروه سیاسی: اتحادیه دفتر تحکیم وحـدت طی نامه‌ای بـه نمایندگان مجلس درباره لایحه بودجه ۱۴۰۰ نوشـت: با توجه به رویکرد دولـت و همچنین ایرادات موجود به نظر می‌رسـد رد کلیات و تصویب آن به‌صورت چند دوازدهم، همچنان بهترین گزینه پیش‌روی صحن است.

اتحادیه دفتر تحکیم وحدت طی نامه‌ای خطاب بـه نمایندگان مجلس شـورای اسـلامی پیرامون لایحه بودجه ۱۴۰۰ نوشـت: بلاشک نوع مواجهه نمایندگان مجلس با لایحـه بودجه ۱۴۰۰ محک تمـام ادعاهای مجلس یازدهم اسـت و با توجه به رویکردی کـه دولت در خصـوص رویه اصلاحی مجلس در پیش‌گرفتـه و همچنین ایرادات جدی وارد بـه اصلاحـات اعمالی؛ با احتـرام به زحمات نمایندگان کمیسیون تلفیق بودجه؛ به نظر می‌رسد رد کلیـات و تصویب آن به‌صـورت چند دوازدهم، همچنان بهترین گزینه پیش‌روی صحن است.

متن این نامه به شرح زیر است:

بسمه تعالی

نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی

سلام‌علیکم

آخریـن لایحـه بودجـه دولـت دوازدهم در کمیسـیون تلفیـق مجلس بـا فـراز و فرودها و حاشـیه‌های فراوانی همراه شـده است. باتوجه به روند متفاوتی که مجلس در بررسـی لایحهٔ بودجه در پیش گرفته لازم است تا نکاتی درباره این رویه و همچنین برخی اصلاحات کلی کمیسیون تلفیق به نمایندگان محترم مجلس گوشزد شود.

با ارائه لایحه بودجـه ۱۴۰۰ به مجلس، ضعف و ایراداتـی اساسـی در آن هویدا بـود پیش‌بینی غیرواقع‌بینانـه میزان کسـب درآمدها بر اسـاس فـروش روزانه ۲٫۳ میلیون بشـکه نفت، تخصیص منابـع به بدترین شـکل ممکن، کسـری بودجه ذاتی و نگارش هوشـمندانه آن با اغراض سیاسی از مهم‌ترین ایرادات وارد به لایحه مذکور بوده است؛ بنابراین آنچه از طرف بدنه کارشناسـان اقتصادی کشور و نهادهای پژوهشی پیشنهاد شد رد کلیات و تصویب آن به‌صورت چند دوازدهم بود.

پیشـنهاد برخی نمایندگان دـر خصوص اصلاح لایحه در مجلس در حالی بود که دولت با داشـتن یک سازمان و واحد تدوین‌کننده بودجه، چنین بسته اقتصادی سیاسی-هوشمندانه‌ای را تهیه کرده است؛ بنابراین این مهم مکرراً گوشزد شد که مجلس محل مناسبی برای تهیه سند جدید بودجه نیست.

اصرار کمیسـیون تلفیق به اصلاح لایحه باعث شـد تا بودجه ۱۴۰۰ در مسـیر پر ریسـکی قرار گیرد؛ زیـرا هرچند رئیس مجلس از رایزنی‌هایی با شورای نگهبان و تفاهم با دولت خبر داده بود، اما صحبت‌های مکرر رئیس‌جمهور در چند وقت اخیر نشان داده که گویا دولت قصد ندارد به‌راحتی زیر بار تغییـرات اعمالی مجلس رود؛ بنابراین ازآنجاکه بر اسـاس قانـون نیز مجلس صرفاً مجاز اسـت تا اصلاحاتـی اندک را در لوایح بودجـه اعمال کند؛ نادیدـه گرفتن این احتمال که مجلس دسـت رد به سینه تغییرات اعمالی مجلس زند خطا است.

علاوه بر موارد فوق، برخی اصلاحات کمیسـیون تلفیق در لایحـه بودجه به‌خصوص حذف تخصیص ارز به کالاهای اساسـی باقی‌مانده (روغن و دانه‌های روغنی، نهاده‌های دامی، دارو و تجهیزات) و همچنین افزایش احتمالی سـقف بودجـه در مجلس موجب نگرانی شده است.

سیاستی که مجلس در تغییر نرخ دلار چهار هزار و ۲۰۰ تومانـی و تعیین نرخ آن روی ۱۷ هزار و ۵۰۰ تومان در نظر گرفته، به‌منزله حفظ ارز ترجیحی در نرخ بالاتر و مصداق گران‌سازی آن است. در واقع این تصمیم، تثبیت همان سیاست در نرخ بالاتر است که در شرایط محدودیت‌ها و پایین‌بودن درآمدهای ارزی راهکار صحیحی برای حذف لابی‌های سوءاستفاده‌گر از دـلار چهار هزار و ۲۰۰ تومانی به نظر نمی‌رسـد. بسیاری از کارشناسان معتقدند با تغییر چند برابری نرخ ارز رسمی، باید به استقبال گرانی کالاهای اساسی و ضروری کشور رفت.

به‌طور مثال قیمت روغن و مرغ حداقل سه برابر رشـد خواهد داشت. چه اینکه هم‌اکنون و به‌دلیل آثار روانـی تصمیمات مجلس، تغییـرات در بازار روغن کاملاً هویداست. با پذیرش این ادعا پرداخت یارانه به مردـم برای جبران افزایـش قیمت این کالاها نیز مانع از تحمیل فشـار معیشتی به آن‌ها نخواهد شـد، زیرا همواره تـورم از یارانه‌ها جلوتر اسـت. نمی‌توان ماهانه مبلغـی را در ازای اجرایی شـدن سیاسـتی پرداخت کرد که هزینه زندگی مردم را چند برابر آن مبلغ افزایش می‌دهد.

قطعاً هر اصلاحی که مدنظر مجلس باشـد باید از کانال کاهش هزینه‌ها یا افزایش منابع گذر کند. حال‌آنکه بر اسـاس برخی اخبار مجلس نه‌تنها در راستای کاهش هزینه‌ها گام برنداشته بلکه بالعکس بـر هزینه‌ها افزوده اسـت که همیـن موضوع به تشدید مشـکلات خواهد انجامید. بدیهی است که در سـمت درآمدها نیز دولـت باید در پی افزایش منابع باشـد که البته برخی تصمیمات چون حذف معافیت‌های نادرست مالیاتی جای امیدواری دارد اما درآمدزایی از محل حذف ارز چهار هزار و ۲۰۰ تومانی محل اشکال جدی است.

متأسفانه سیاست‌هایی ازاین‌دست با هدف کاهش فشار معیشـتی به مردم و افزایش رضایت اجتماعی نه‌فقط در لایحه بودجه بلکه از بدو تشـکیل مجلس یازدهـم موردتوجـه نمایندگان قرار گرفته اسـت. درحالی‌که چنین سیاست‌هایی در شرایط نامناسب بودجه کشـور با تبعات تورمی همـراه بوده و مقدار هزینـه‌ای بیش از این را در قالـب تورمی که ایجاد می‌کند از مردم باز می‌ستاند. آنچه از نمایندگان محترم مجلـس انتظار می‌رفت تمرکز بـر صرفه‌جویی‌های هزینه‌ای و جلوگیری از ریخت‌وپاش‌های زائد به‌جای سبقت گرفتن از دولت در هزینه‌تراشی بود. همچنین دـر بخش درآمدی نیـز انتظار می‌رفـت تا به‌جای تصمیمات مخاطره‌آمیز همچون افزایش نرخ ارز، در خصوص درآمدهای مالیاتی از طریق گسترش پایه‌های مالیاتی و جلوگیری از فرار مالیاتی برنامه‌ریزی شود.

بلاشـک نوع مواجهه نمایندگان مجلس با لایحه بودجه ۱۴۰۰ محک تمـام ادعاهای مجلس یازدهم است. با توجه به رویکردی که دولت در خصوص رویه اصلاحی مجلس در پیش‌گرفته و همچنین ایرادات جدـی وارد به اصلاحات اعمالی؛ با احترام به زحمات نمایندگان کمیسیون تلفیق بودجه؛ به نظر می‌رسد رد کلیات و تصویب آن به‌صورت چند دوازدهم، همچنان بهترین گزینه پیش روی صحن است.